



شرکت جواهریان
شرکت جواهریان برای خرید و فروش همه قسم جواهرات از جزئی و کلی حاضر و کاملاً رضایت خاطر مشتریان محترم را فراهم خواهد نمود.
آدرس- بازار بزازها شرکت جواهریان

ایران

■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۳۷۸ ■ شنبه ۷ تیر ۱۳۹۹ ■ ۵ ذی القعدة ۱۴۴۱ ■ ایران قرن یازده



دوش حمام بهترین کارخانه‌های اروپا
حمام دوش از بهترین کارخانه‌های معروف اروپا فوق العاده کم خرج است. با پنج ریال خرج، ده نفر استحمام می‌نماید. عمارت جدید خود را با این نوع حمام تزئین نمایید. قیمت مناسب است.
۱۱۲۶ رفعت برادران- خیابان چمران- برق- تلفن

تجربیات

تهیه و تنظیم: حسن مجیدی

اعلان از طرف بلدیة طهران

صودت نرخ اغذیه

واشریه در طهران و شمیرانات

■ رستوران و کافه درجه ۱

۱- ناهار یا شام تمام: اول- سوپ و غیره. دوم- گوشت سس دار. سوم- پرند. چهارم- میوه یا شیرینی. پنجم- قهوه، ناهار شش قران، شام هفت قران. توضیح آنکه تفاوت ناهار با شام این است که در شام پرندۀ داده می‌شود.

۲- پرسین خوراک گوشتی: پرسی چهار قران با لوازمات آن.

پرسیون ماهی جات و پرندۀ جات و ششلیک با لوازماتش، پرسی پنج قران. غذای خصوصی که دستور می‌دهند جهت مهمانی‌های مخصوص با رعایت اطلاع قبلی تعیین نرخ خواهد شد.

۳- صبحانه: نان، کره، چای [چایی] بزرگ و مربا و دو عدد تخم مرغ، سه قران.

۴- قسمت یوفه: بستنی با شیرینی دو قران، چاهی بزرگ یک قران، قهوه بزرگ دو قران، قهوه کوچک ترکی یک قران، شیر قهوه دو قران، شربت آلات عموماً یک قران، لیموناد و سیفون یک قران، کاکائو بزرگ دو قران، پرس نان و کره سسی شاهی، پرس ساندویچ دو قران، پرس ساندویچ ژاپنیون چهار قران، شیر استکان بزرگ یک قران.



۵- شیرینی پرسی دو قران، میوه پرسی سی شاهی.

۶- کمپوت جات ظرفی یک قران در صورت فوق العاده.

■ رستوران و کافه درجه دوم

۱- شام: سوپ و دو خوراک گوشت، میوه با شیرینی و قهوه پنج قران، ناهار: چهار قران.

۲- پرسینون خوراک گوشتی: پرسسی با تمام لوازمات سه قران- پرس پرندۀ جات با تمام لوازماتش چهار قران.

۳- صبحانه: نان، کره، شکر، چاهی بزرگ و دو عدد تخم مرغ دو قران.

۴- قسمت یوفه: بستنی ظرفی یک قران، شربت آلات تنگی یک قران، قهوه بزرگ یک قران، قهوه کوچک ده شاهی، لیموناد پانزده شاهی، سیفون پانزده شاهی، شیر کاکائو یک قران، چاهی کوچک ده شاهی، نان و کره یک قران، شیرینی یک قران، میوه یک قران.

■ رستوران و کافه متفرقه

۱- شام- ناهار: از قبیل چلوکباب، چلو خورش و خوراک‌های متفرقه، ظرفی دو قران.

۲- بستنی: ده شاهی، چاهی پنج شاهی، شربت آلات تنگی سه عباسی، لیموناد مقصد دینار، شیر فنجانی ده شاهی، شیرینی ظرفی پانزده شاهی، شیر کاکائو پانزده شاهی. بلدیة طهران

مجله بلدیة - مرداد ۱۳۱۰



دستور برای

رانندگان اتوبوس‌های شهری

حمل جنازه ممنوع است

۱۶- حمل اشیای محترقه در اتوبوس‌ها به کلی ممنوع است.

۱۷- حمل جنازه در اتوبوس به کلی ممنوع است (مگر در اتومبیل‌های مخصوص این کار).

۱۸- سوء ادب و خلاف نزاکت و خشونت از طرف مسافرها و بلیت فروشان نسبت به مسافران اکیدا ممنوع است.

۱۹- لباس شوفرهای اتومبیل کرایه و اتوبوس‌ها و همچنین شاگرد شوفرها و بلیت فروشان بایستی همیشه تمیز و نظیف و مطابق فرمی که اداره نظمیة تعیین کرده است باشند. نیم تنه یقه شکاری دو تکه (دکمه) باکلاه پهلوی و تکه (دکمه) مسوار با برنج باشد، بدون شیر و خورشید (اختیار رنگ لباس با آنها خواهد بود).

۲۰- طول صندلی برای نشستن هر مسافر اقلاً ۴۰ سانتیمتر و عرض آن نبایستی از ۳۰ سانتیمتر کمتر باشد.

۲۱- درهای اتوبوس باید همیشه سمت راست یا عقب واقع شوند.

۲۲- اتقاق اتوبوس‌هایی که خارج از کارخانه ساخته می‌شود باید وضعیت موتور و شاسی مناسب با اتاق باشد. ساختن اتاق بدون دستور و اجازه مخصوص اداره نظمیة اکیدا ممنوع است. (مطابق نظامات اداره نظمیة)

طول اتومبیل از انتهای شاسی نبایستی از ۵۰ سانتیمتر و عرض آن از وسط چرخ‌ها از ۲۵ سانتیمتر تجاوز نماید ولی قبل از شروع به کار باید شاسی و موتور را به شعبه وسایط نقلیه ارائه داده و تحصیل اجازه خواهد نمود.

۲۳- شوفرها و شاگرد شوفرها حق ندارند با صدای بلند مردم را به اتوبوس دعوت نمایند.

۲۴- تا زمان تعیین نرخ جدید قیمت کورس در شهر و شیران و حضرت عبدالمعظم (ع) همان است که سابقاً تعیین شده.

۲۵- قیمت کورس تاکسی نیز در شهر و اطراف مطابق نرخ درشکه‌های عمومی بوده مگر در مسافت‌های طولانی که پیش‌بینی نشده باشد، کورس با رضایت طرفین تعیین می‌شود.

۲۶- کلیه مقررات و دستورات رانندگان اتومبیل‌ها که در ۳۴ ماده تعیین و طبع شده شامل حال رانندگان اتوبوس نیز خواهد بود.

تبصره- توقف غیر از ایستگاه‌های مخصوص فقط در مورد اشخاص ناتوان، پیر مرد، مریض یا امر آزان مجاز خواهد بود.

روانامه اطلاعات - چهارشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۱۰

مجله پلیس- فروردین ۱۳۱۰

۱- رانندگان اتوبوس قبل از شروع به کار بایستی دقت نمایند کلیه آلات و ادوات اتوبوس مخصوصاً رل و ترمزها سالم و بخوبی کار کنند.

۲- مسابقه اتوبوس‌ها در شهر به کلی قدغن می‌باشد.

۳- سرعت سیر اتوبوس در شهر نبایستی از ساعتی ۲۰ کیلومتر تجاوز کند.

۴- به غیر از نقاطی که برای توقف اتوبوس‌ها در شهر تعیین شده شوفرها حق ندارند در نقاط دیگر توقف نمایند.

۵- در موقع حرکت درهای اتوبوس بایستی بسته باشد.

۶- رانندگان اتوبوس در ایستگاه پس از آنکه اولین مسافر سوار شد موظفند پیش از ۱۰ دقیقه برای گرفتن مسافران دیگر توقف ننمایند.

۷- بعد از حرکت در توقفگاه‌های عرض راه فقط به اندازه پیاده یا سوار شدن مسافران حق توقف خواهند داشت.

۸- در مواقعی که جمعیت زیاد در ایستگاه متوقف است، لوائیخ منع فعالیت و تبلیغات سازمان‌های سیاسی کمونیستی اعلام شد. آیرم رئیس نظمیة دلخواه رضاشاه بود؛ او تا نیمه‌های سال ۱۳۱۴ دومین در قدرتمند در کشور بود. اما مدتی بعد شاهد تغییر رفتار شاه شد؛ ترسید از چشم شاه بیفتد و پیش‌دستی کرد.

به لال شدن تمارض کرد؛ ابوالحسن اینهاج را برای دریافت ارز برای درمان به خانه‌اش دعوت کرد و مدتی بعد راهی آلمان شد.

انعام رضاشاه هم توانست آیرم را به ایران برگرداند. به سیدضیا گفته: «شاه خطرناک

شده به همه آدم‌هایی که سرشان به تن‌شان می‌ارزد، بدبین و کینه‌جوست و از من می‌خواست برای همه دوسیه درست کنم؛ تصمیم گرفتم بیایم و جانم را نجات دهم.»

آیرم به شهرهای رضاشاهی جانی تازه داد و بعدها هم رکن‌الدین‌خان مختاری دنباله کار را گرفت. در دوره مختاری، فشار اداره سیاسی بر مخالفان گسترش یافت؛ سانسور شدت گرفت و میزبانی به نهایت رسید.

۱۰- شوفرها و بلیت فروش‌ها موظفند بیشتر از تعدادی که در ورقه ظرفیت تعیین و به اتومبیل نصب می‌باشد مسافر سوار نکنند.

۱۱- اتوبوس‌ها و اتومبیل‌های تاکسی باید هر ده روز یک مرتبه به معاینه برسند و اتوبوس‌هایی که فاقد ورقه معاینه اعضاء شده متخصص فنی شعبه وسایط نقلیه می‌باشند از حرکت ممنوع خواهند بود.

۱۲- داخل اتوبوس‌ها باید همیشه اوقات پاک و نظیف باشد.

۱۳- در ایستگاه شوفرها و شاگرد شوفرها موظفند داخل اتوبوس را تفتیش نموده هر گاه مسافران شیئی را فراموش کرده باشند به آنها رد کنند. اگر در موقع پیاده شدن نتوانستند اشیاء را به صاحبانش مسترد دارند در ظرف ۱۲ ساعت به شعبه وسایط نقلیه تسلیم نمایند.

۱۴- رانندگان اتوبوس حق ندارند بار و اشیایی که اسباب زحمت سایر مسافران است حمل نمایند.

۱۵- در اتوبوس حسی الامکان از کششیدن دخانیات خودداری شود.

زندانیان سیاسی در زندان پهلوی اول

پلیس سیاسی تأسیس شد



«ام‌در...اوزون‌سن»

بعد از آن نوبت به آیرم رسید؛ او با راه‌اندازی واحد پلیس سیاسی جمعی از مأموران شهرستانی را جمع کرد تا تمام مقامات و نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی و روزنامه‌نویسان را تحت‌نظر گیرند و همه‌روزه گزارش‌های افراد را به دربار بفرستند. او چهار نقشه در سر داشت؛ به هر قسمی شده خود را به هسته اصلی قدرت نزدیک کند؛ ضعف ارباب را بشناسد؛ تمام کسانی را که نفوذی در شاه دارند از دور او دور کند و در نهایت در وقت مناسب جیبش را پر کرده و گلیم از آب بیرون کشیده و فرار کند. آیرم به تجربه فهمیده بود خبرچینی و جاسوسی کوتاه‌ترین راه است تا قلب شاه را به دست آورد. او برای عملیاتی کردن نقشه‌اش به این نتیجه رسید روزنامه‌ها را شلاق کش به میالغه و مداحی وادارد.

او ۳۱ شهریور ۱۳۱۰، درباره مخالفتش با رفع توقیف روزنامه «نسیم شمال» به هیأت وزیران نامه نوشت. افسر سابق قزاق سبک کار اطلاعات شهرستانی ایران را برپایه پلیس سیاسی آلمان قرار داده بود و مراقب پنج گروه بود: طرفداران اصلی مشروطیت، روحانیون، سیاستمداران و کارگزاران دولتی و نظامی، مطبوعات و نویسندگان

لیلا ابراهیمیان/ در سر کشی ولایات غرب بود که تلگرافی مهم به‌دستش رسید؛ در تهران بهار بود و همه‌چیز و همه‌جا زیبا؛ ۲۴ ساعت از تغییر فصل نگذشته بود که شاه یکی از مهره‌های خود را حرکت می‌دهد.

او سرتیپ محمدحسین‌خان آیرم، نظامی مورد اعتمادش را به ریاست تشکیلات نظمیة رسانده؛ ۱۴ روز بعد، ۱۶ فروردین ۱۳۱۰، رئیس شهرستانی، برای اولین بار در ایران واحد پلیس سیاسی یا اداره اطلاعات شهرستانی را تأسیس می‌کند.

آیرم، از ایرانیان مهاجر قفقاز، با هیكلی ورزیده و قدی بلند که روزی به‌دلیل دانش نظامی‌اش مورد توجه ولادیمیر لیاخوف بود و مترجمش شد و زمانی هم رضاشاه از او خواست تا با استفاده از دانشش درباره تشکیلات نظامی (اطلاعاتی آلمانی- روسی) همه کس و همه‌چیز را تحت‌نظر نگاه دارد.

قبل از آیرم، سرتیپ محمد در گاهی معروف به محمدخان چاخو، علیه مخالفان سیاسی حکومت بی‌پروا بود. در این دوره روزنامه‌های مستقل تعطیل و احزاب سیاسی از بین رفته بود. حزب سوسیالیست تعطیل و دفاتر آن به دست اوایش سازمان‌دهی‌شده به آتش کشیده شده و انجمن نسوان وطن‌خواه سنگباران شده بود. اتحادیه‌های کارگری ممنوع شده و رضاشاه در فکر قدرت بلامنازع بود. در دوره در گاهی زندان قصر ساخته شد؛ زندانی برای خفه کردن صداهای مخالف و نخستین زندانی‌اش اتفاقاً خود در گاهی بود که جایش را به فضل‌الله زاهدی داد. بعد دوسه ماه از ریاست زاهدی، زندانیان زندان قصر شورش کردند؛ سید فرهاد یاغی و لورنس عربستان، جاسوس انگلیسی‌ها از زندان فرار کرده و همه کاسه کوزه‌ها بر سر زاهدی شکست. رضاشاه دستور داد: «پاگون‌های این مادر... را بکنید.» و زاهدی هم به ترکی گفت:

دوستی پر فراز و فرود ایران و مصر



فرزانه قبادی/ گلوله‌های توپ در اسکندریه به نشان شادی شلیک شدند. مردم مصر در خیابان‌های قاهره و اسکندریه مشغول شادی بودند، ملک فؤاد خود را برای سان دیدن از نظامیان کشورش آماده می‌کرد. مصر پس از سال‌ها از تحت‌الحمایگی انگلستان رها شده و همزمان با ششم فروردین ۱۳۰۱ اعلام استقلال کرده بود. این خبر خیلی زود به گوش سیاستمداران دنیا و شاه ایران رسید.

ایران نخستین کشوری بود که در یادداشتی که از سوی وزارت امور خارجه منتشر شد، اعلام کرد استقلال مصر را به رسمیت می‌شناسد. روابط ایران و مصر به‌عنوان کشور‌های تأثیرگذار منطقه خاورمیانه همواره در عالم سیاست اهمیت داشت و دارد.

سابقه روابط ایران و مصر را می‌توان در روزگار باستان پیدا کرد، آن روزها که داریوش هخامنشی به‌دنبال راهی بود که کشتی‌ها را از مصر به پارس برساند. در کتیبه‌ها از قول او درباره نخستین آبراهه کانال

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

سوتر نوشتند: «امر کردم این جوی را بکنند. از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. کشتی‌ها از مصر از میان این جوی به سوی پارس می‌رفتند.» در طول دوره‌های مختلف تاریخی این دو کشور بارها برای اتحاد با یکدیگر بویژه

نمایش اولین فیلم ناطق در ایران



ناطق بهتر بود یا گنگ؟ جواب می‌دادند فیلم گنگ زیرا روی پرده سینماهای گنگ چند کلمه ترجمه‌متعکس می‌شد به زبان فرانسه یا انگلیسی یا فارسی یا یک نفر مطلب را تفریر و بیان می‌داشت لیکن فیلم ناطق دیشب حتی برای آنها که انگلیسی می‌دانستند بواسطه اینکه شمرده نبود قابل فهم نبود.

روزنامه اطلاعات- شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۱۰

سالن را با اسلوب سابق مربع مستطیل ساخته‌اند در نتیجه به استثنای چند لژ که روبه‌رو واقع شده سایر لژها قابل استفاده تماشاچی نمی‌باشد علاوه بر این تصفیه کردن هوا در داخل سالن صحیح نیست و با وجودی که بیش از پنجاه دستگاه بادبز الکتریک در سقف و کنار لژها نصب گردیده بود ابتدا تأثیری در هوای گرم بدون منفذ سالن نداشت که درجه به ۳۵ رسید.

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم

ساعت ۸ بعد از ظهر سالن موج می‌زد. بسیاری از اشخاص ایستاده بودند. مدعوین مر کب از رجال واعیان و صاحب منصبان نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات تجار و نمایندگان سیاسی خارجی و عده زیادی از محترمین طبقات بودند.

فیلم ناطق به زبان انگلیسی بود و برای تماشاچیان مفهوم نداشت، خاصه اینکه خیلی تند صحبت می‌کردند. اگر از کسانی که دیشب فیلم ناطق را دیده بودند سؤال می‌کردند فیلم



۲۳ مرداد

۵ خرداد

۱۱ اردیبهشت

۲۲ تیر

۲۹ اردیبهشت

۲ اردیبهشت

۱۴ فروردین

۲ فروردین

۱۳۱۱
1932

گردآوری: محمد گرشاسبی

۳۱ شهریور

۱۸ شهریور

۸ شهریور

۱۳۱۰
1931

۲ فروردین

۱۴ فروردین

۲ اردیبهشت

۲۹ اردیبهشت